

داستان دو مدرسه:

فیضیه و حقانی

■ امروز دیگر حقانی یک مدرسه نیست، یک جریان فکری اثرگذار و تعیین کننده است

■ بین آیت الله مصباح یزدی و شهید بهشتی در برداشت از نوشته ها و عقاید دکتر شریعتی اختلاف نظر اساسی وجود داشت

برنامه های درسی آن، مدیران و مدرسانش، افراد برجسته ای که در آن تدریس کرده اند و یا از آن فارغ التحصیل شده اند و اکنون متصدی مقام های کلیدی هستند و... منتشر شده است، گرچه اطلاع یافته ایم که پروژه ای در همین زمینه در مرکز اسناد انقلاب اسلامی - به ریاست حجت الاسلام روحانی... حسینیان، دانش آموخته سابق مدرسه حقانی - در حال تدوین است. ما امیدوار بودیم با دسترسی به این پروژه تحقیقاتی و یا حداقل تبادل نظر با محقق آن، ضمن دریافت اطلاعات دیگر، صحت بخشی از یافته های مجله را با آنان تطبیق دهیم، اما این امکان میسر نشد. بنابه ادعای مسئولین بخش تدوین این مرکز، پروژه تحقیقاتی مزبور بسیار «طاققت فرسا» بوده و هنوز به پایان نرسیده است. هر چند امکان دسترسی پژوهشگران اینگونه مراکز به اسناد بیش از روزنامه نگاران است، با این وجود آنها هنوز به جمع بندی نهایی در این مورد نرسیده اند که همین وضع، نشانه ای از پیچیده بودن مبحث کالبدشکافی مدرسه حقانی است.

قم از انزوا و سکوت خارج می شود

با وجود ادعای مطرح شده در فوق، دسترسی به تاریخچه تأسیس مدارس فیضیه

خیلی از رویدادهای مهم را باید در جمع بزرگانی که درس خوانده مدرسه حقانی هستند و پایه نحوی با آن مرتبطند، جستجو کرد.

با وجود چنین باوری، اطلاعات ناچیزی راجع به مدرسه حقانی، چگونگی تأسیس، نحوه اداره، شرایط گزینش طلبه و



آیت الله مصباح یزدی پس از انقلاب به ترمیم گروه حقانی و تثبیت طیف خود در قم اقدام کرد

زمانی که مبارزات رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران به اوج رسید، نام مدرسه فیضیه به عنوان پایگاه و خاستگاه نهضت امام خمینی (ره) در اذهان جا گرفت. چه در دوره مبارزه علنی پیش از انقلاب و چه در دهه اول پیروزی انقلاب، نام فیضیه و رد زبان هاوزینت بخش مقاله ها بود. بسیاری افراد می کوشیدند به نوعی گذشته خود را با مدرسه فیضیه مرتبط سازند تا شهرت و محبوبیتی کسب کنند. در این دوره نامی از یک مدرسه سرنوشت ساز دیگر - مدرسه حقانی - در میان نبود، یا اگر هم بود، عامه و افکار عمومی از آن بی خبر می ماندند.

در سال های پس از رحلت امام خمینی (ره) نام مدرسه فیضیه، بتدریج به حاشیه رانده می شد و به همان نسبت، مدرسه حقانی جایگاه بیشتری را در متن خیرها - و نیز شایعات - به خود اختصاص می داد. این روند، پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تشدید شد و نوشته ها و گفتارها (و البته باز هم شایعات)، بسیاری از تحولات بنیادین را منبعث از مدرسه حقانی می دانستند و این باور را به افکار عمومی منتقل می کردند که سررشته خیلی از امور در دست بزرگانی است که از مدرسه حقانی فارغ التحصیل شده اند و هم اکنون نیز این باور وجود دارد که ریشه

و حقانی، مسیری که این دو مدرسه طی کرده‌اند و نیز شناسائی شخصیت‌های اثرگذاری که در آنها درس خوانده‌اند و پرورش یافته‌اند، کار غیرممکنی نبود و گروه پژوهش مجله توانست در این زمینه‌ها اطلاعات روشن‌کننده‌ای تهیه کند که در ادامه مطلب، آنها را عرضه کرده‌ایم.

برای سهولت درک این اطلاعات، آنها را در دو بخش ارائه می‌کنیم: یک بخش راجع به مدرسه فیضیه و بخش دیگر در رابطه با مدرسه حقانی.

به عنوان مدخل باید متذکر شویم تا اوایل قرن چهاردهم هجری، قم با وجود منزلت روحانی آن که ناشی از وجود حرم مطهر حضرت معصومه (س) است، شهری بود که در سکوت و انزوی نسبی روزگاری گذراند. در اوایل این قرن یک روحانی عالی مقام و سخت‌کوش اقداماتی را آغاز کرد که موجب شد در نهایت قم به صورت قطب اصلی جهان تشیع درآید.

داستان از این قرار است که در اوایل همین قرن مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی از

با وجود کمکهای افراد وابسته و یا علاقمند به مؤتلفه، کسی مدعی نیست که مؤتلفه در شکل دهی به مدرسه حقانی نقشی داشته است

اراک به قم مهاجرت کرد و حوزه علمیه قم را در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) بنیاد نهاد. علمای اعلام و بزرگانی نظیر حضرات آیات عظام گلپایگانی، خوانساری و امام خمینی به ایشان می‌پیوندند و آیت الله حائری یزدی به تأسیس و فعال کردن مدرسه فیضیه همت می‌گمارد. سالها بعد آیت الله محقق داماد از یزد، آیت الله همدانی از همدان و آیت الله آملی نیز از تهران به قم آمده و به ایشان

پیوستند.

مدرسه فیضیه تا پیش از این زمان، ساختمان و محل انبار وسایل خدمه آستانه حضرت معصومه (س) بود. ساختمان مدرسه مربوط به زمان صفویه و متروکه بود و استفاده علمی از آن نمی‌شد و در واقع مرکزیت حوزه علمیه با تأسیس فیضیه جدید (تغییر شکل کاربردی از انبار به محل تدریس علم) شکل گرفت.

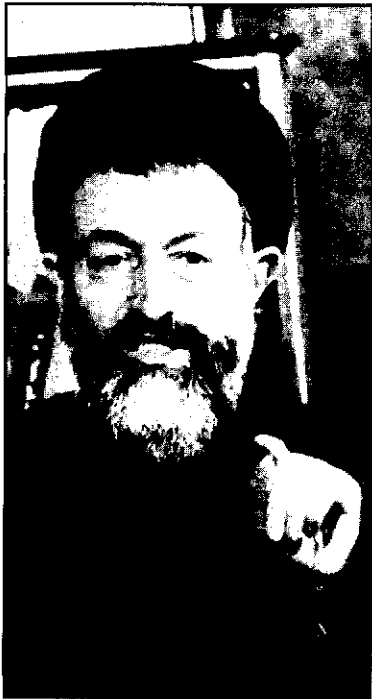
قریب به اتفاق علما و ستارگان درخشان مرجعیت، از جمله آیات عظام امام خمینی (ره)، گلپایگانی، نجفی مرعشی، محقق داماد، همدانی و میرزا هاشم آملی از دانش‌آموختگان فیضیه بوده‌اند.

آیت الله العظمی بروجردی و نواب صفوی

در زمان حضرات آیت عظام حائری یزدی و بروجردی سعی و اهتمام بر این بود که فیضیه فارغ از مسایل و درگیریهای سیاسی به فعالیت خود ادامه دهد. معروف است که گروه فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی هنگامی که در این مدرسه شروع به فعالیت‌های سیاسی و تظاهرات کردند توسط آیت الله العظمی بروجردی رد و رانده شدند. شرح این ماجرا مفصل است و چاداران بزرگانی چون حاج شیخ اسماعیل معزی و حاج شیخ علی طاهری خرم‌آبادی و... آنها که هنوز در قید حیاتند، جزئیات آن را برای شفاف شدن تاریخ شیعه بنگارند. اما به طور اختصار و به نقل از آگاهان متذکر می‌شویم که مرحوم نواب صفوی که دانشجوی دانشکده الهیات تهران بود به قم نیز رفت و آمد می‌کرد و برخی از پیروان وی به حوزه می‌آمدند و به دادن شعار و تظاهرات برای جلب توجه طلاب به مبارزه مسلحانه اقدام می‌کردند. پس از مدتی، یک روز حضرت آیت الله بروجردی در جلسه درس صبح خود اعلام کرد «این‌ها به حرفهای من گوش نمی‌کنند...» و در انتها حدیث معروف «الراد...» را خواند.

غروب همان روز برخوردی بین مقلدان و شاگردان حضرت آیت الله العظمی بروجردی با کسانی که خود را جزو گروه مرحوم نواب

تهیه: بهشتی برای طلاب مدرسه حقانی یک دوره درسی ۱۷ ساله تدوین کرده بود



صفوی معرفی می‌کردند روی داد که اتفاقاً بعد از انقلاب نیز در صحن مجلس شورای اسلامی مطرح شد. داستان از این قرار بود که یکی از شرکت‌کنندگان در همان درگیری، یعنی اسماعیل معزی ملایری در دوران اول به مجلس شورای اسلامی راه یافت. هنگام رسیدگی به اعتبارنامه وی، آیت الله خلخالی در مخالفت با معزی ملایری وی را متهم کرد که در واقعه مورد بحث، با چوب به طرفداران نواب صفوی حمله کرده است و معزی ملایری نیز در پاسخ به صراحت گفت: این کار را به دستور مرحوم آیت الله بروجردی انجام دادیم (علاقمندان به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توانند به صورت جلسات اولین دوره مجلس شورای اسلامی مراجعه کنند.)

فیضیه مظلوم

اینک زمان آن است که وضع مدرسه فیضیه را در سال‌هایی که از تبعید امام خمینی آغاز و به پیروزی انقلاب ختم می‌شود، مرور کرد. یکی از بزرگان حوزه علمیه قم در گفتگو با «کزارش» چنین می‌گوید:

در آغاز دهه چهل هم مدرسه فیضیه بیش از آنکه یک پایگاه سیاسی باشد، محل تجمع طلاب بود. حتی در سال ۱۳۳۲ نماز جماعت

هر صاحب منصبی، به ویژه اگر صاحب نام در قوه قضاییه یا وزارت اطلاعات باشد منسوب به تحصیل در آن مدرسه است. حقانی مدرسه ای است برای تربیت طلاب علوم دینی، همراه با ورزش و آموزش زبان انگلیسی، فلسفه و دارای نظم و ترتیبات خاص و حتی زنگ پایان درس، مثل زنگ مدارس غیردینی.

اندیشه تأسیس این مدرسه به سالهای پایانی دهه ۱۳۳۰ و پس از فوت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برمی گردد. در این زمان، تفکر روشنفکری در قم ریشه گرفته بود. این تفکر شامل سامان دهی و نظم و

برگزار شد که برخلاف انتظار، هیچ یک از بزرگان در آن شرکت نداشتند و حتی سخنران جلسه هم از حضور در آن خودداری کرد و لاجرم چنان مراسمی، فقط با حضور معدودی از افراد و طلاب مشتاق (۲۰) و حداکثر ۴۰ نفر) برگزار شد. اما از سال ۱۳۵۴ باردیگر روحیه فعالیت سیاسی در مدرسه فیضیه، رفته رفته، قوی و قوی تر شد.

در این دوران، آن مدرسه دیگر، یعنی مدرسه حقانی، به صورت مرکز تربیت روحانیونی درآمد که تقدیر چنین بود بعدها در نظام جمهوری اسلامی شاغل پست های کلیدی شوند.

ظهربابه امامت آیت الله زنجانی و شامگاهان به امامت آیت الله اراکی برگزار می شد. تا قبل از واقعه دستگیری امام خمینی (ره) فقط یک حادثه سیاسی در این مدرسه روی داد و آن هم زمانی بود که مرحوم آیت الله گلپایگانی به مناسبت شهادت حضرت امام صادق (ع) مجلسی در فیضیه ترتیب دادند که مأموران ساواک به مدرسه ریختند و مراسم را برهم زدند. این اولین واقعه سیاسی در مدرسه فیضیه بود.

مدتی بعد که بحث تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی پیش آمد و علما در مقابل آن موضع گیری کردند، مأموران امنیتی رژیم



حجج اسلام فلاحیان، یونسی و حسینیان که از شاگردان مدرسه حقانی بودند به وزارت اطلاعات راه یافتند

انضباط در مدارس علمیه نیز می شد. مرحوم آیت الله دکتر بهشتی در رأس این تفکر قرار داشت. دکتر بهشتی که در استخدام آموزش و پرورش قم بود، دستی هم در تدریس در حوزه علمیه داشت و افرادی نیز در کلاس های خصوصی وی کسب فیض می کردند و همین امر موجب تماس طلبه های جوان با ایشان بود.

در همان سالها کاسبی خیریه نام حقانی زنجانی که دو فرزندش طلبه حوزه علمیه قم بودند اقدام به ساخت مدرسه حقانی کرد اما با اتمام کار مدرسه از عهده تأمین مخارج آن برنیامد. در میان مراجع تقلید آن زمان، آیت الله

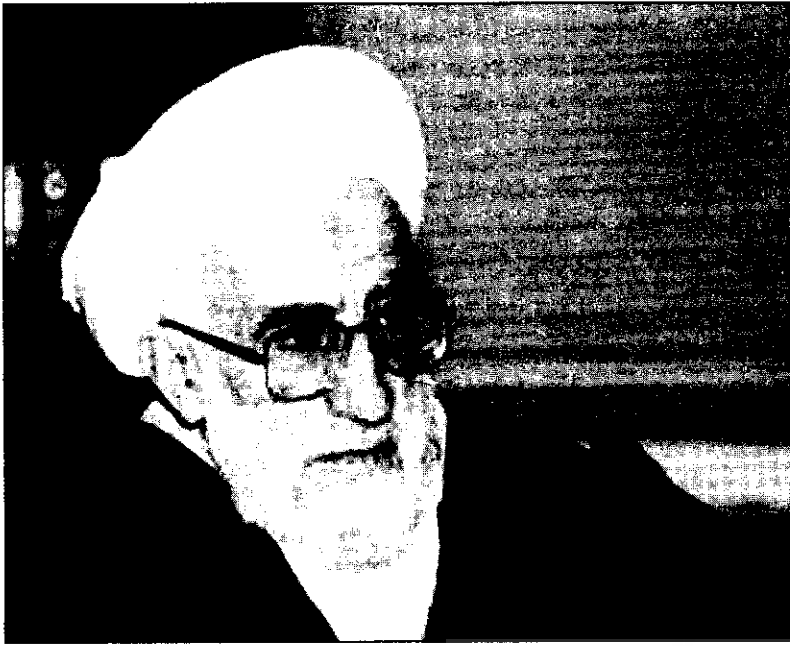
این مدرسه که در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد، ابتدا «مدرسه منتظریه» نام داشت، اما بعدها، برای احترام گذاری به واقف آن (مرحوم حقانی زنجانی) به مدرسه حقانی شهرت یافت.

مدرسه حقانی کجاست؟

وارد قم که می شوید، پس از عبور از پل و ادامه حرکت به سمت مسجد اعظم، در کوچه حرم نما واقع در محله آبشار، ساختمان یک مدرسه به سبک جدید، خودنمایی می کند: مدرسه حقانی. نامی که امروزه برای هر علاقمند به مسایل سیاسی آشناست، چرا که

شدت عمل نشان دادند و از جمله به مدرسه فیضیه ریختند و امام را حل رادستگیر کردند. از این زمان تا مدتی بعد، مدرسه فیضیه بیشتر به سمت سیاسی شدن، سوق پیدا کرد.

پس از تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه و سپس عراق، فعالیت های سیاسی در فیضیه کم رنگ شد. بزرگان در این مدرسه کار سیاسی نمی کردند و فقط گروه معدودی در خفا به فعالیت های سیاسی مشغول بودند. در این دوره که تا سال ۱۳۵۴ ادامه یافت، فیضیه به معنای واقعی مظلوم واقع شد. برای درک این مظلومیت کافی است اشاره شود در سال ۱۳۴۴ مراسمی به مناسبت سالگرد شهادت فیضیه



آیت‌الله جنتی از مدرسان با نفوذ مدرسه حقانی بوده است

سید هادی میلانی ساکن مشهد، با موافقت آقای حقانی زنجانی تأمین بودجه چنین تشکیلاتی را به عهده گرفت و کارها برای اداره مدرسه و تدریس و نهایتاً تربیت طلاب بروفق مراد به جریان افتاد.

قطع ارتباط آیت‌الله میلانی

در ادامه راه فعالیت مدرسه حقانی و پس از توسعه مدرسه و افزایش هزینه‌های آن، شخصی به نام حاج میرزا عبدالله توسلی، اهل دماوند و تاجر چرم و سالامبور (چرم و سالامبور یکی از اقلام صادراتی ایران به اروپاست) و از دوستان و اقوام سببی آقای عسکراولادی (آقای اسدالله عسکراولادی تاجر زیره، داماد حاج عبدالله توسلی) تأمین کلیه مخارج مدرسه حقانی را عهده دار شد. دوستان حاج میرزا عبدالله توسلی که عده‌ای از اعضای هیأت مؤتلفه هم در بین آنها بودند برای حل مشکلات مالی مدرسه اهتمام می‌ورزیدند. حاج میرزا عبدالله توسلی بعدها ساخت و ساز بنای «مکتب توحید» را نیز و وجه همت خود قرار داد و بانی آثار خیردیگری نیز شد. نزدیکی وی به بزرگان هیأت مؤتلفه و تأمین نیازهای مالی مدرسه حقانی توسط وی و دوستانش، قاعدتاً نمی‌باید مورد آن دخالت داشته است. به هر صورت، آیت‌الله میلانی پس از توقف بر چنین کمک‌هایی ارتباط خود را با مدرسه حقانی قطع کرد.

در آن دوران مدرسه حقانی به طلاب تا مرحله سطح، رسایل و مکاسب درس می‌داد و هنوز برای درس خارج استادی در اختیار نداشت.

برای بررسی سوابق سیاسی مدرسه حقانی بدنیست‌گذاری هر چند مختصر نیز بر احوالات مدیران و رهبران فکری مدرسه حقانی داشته باشیم.

آیت‌الله قدوسی مدیریت مدرسه حقانی را بر عهده داشت و حضرت آیت‌الله مصباح یزدی از شاگردان علامه طباطبایی بود (البته آیت‌الله قدوسی داماد علامه طباطبایی نیز بود)

علامه طباطبایی معمولاً تظاهر به فعالیت‌های مبارزاتی نمی‌کرد و این خصلت

به شاگردان وی نیز منتقل شده بود. البته حضرات مصباح یزدی و قدوسی مواضع روشنفکری داشتند، اما نتوانستیم سوابقی در این مورد که آیا اعلامیه‌های علیه شاه را امضا کرده‌اند، در تظاهرات ضد حکومتی شرکت داشته و یا توصیه‌های امام خمینی (ره) مبنی بر تعطیل کلاسهای درس یا شرکت در مراسم و... را مورد توجه و تأکید قرار می‌داده‌اند، به دست آوریم.

حلقه‌های به هم پیوسته

پس از پیروزی انقلاب، مدرسه حقانی نیز مطرح شد و اساتید و دانش‌آموزان آن که همفکر و همسو نیز بودند همراه با ورود آیت‌الله بهشتی به قوه قضاییه شروع به کار در هر پستی (حتی پست‌های رده معمولی اما حساس) در قوه قضاییه، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و... کردند و افراد همفکر خود را نیز در کنار خویش به کار می‌گماردند. برخی از این افراد به دلایل مختلف، از جمله امنیتی، مدت‌ها بانام مستعار انجام وظیفه می‌کردند. این گروه ارتباطات خود را با برگزاری جلسات منظم حفظ کرده و استحکام بخشیدند.

آیت‌الله محمد یزدی رئیس وقت قوه قضاییه که خیلی با طیف حقانی‌ها نزدیک نبود، گویا در مواردی که تصمیم به تعویض

بعضی از آنها (مثلاً تغییر آقای یونسی از دادستانی تهران و یا آقای صدیقی از دادگاههای عمومی ویا...) می‌گرفت بانوعی مقاومت یا عکس‌العمل آنها و برومی شد: «... آنها مثل زنجیر به هم پیوسته‌اند. دست به یکی می‌زنی، داد همه درمی‌آید»

حجج اسلام آقایان: فلاح، فلاحیان، پورمحمدی، اسلامی، حسینیان و یونسی نیز از دانش‌آموختگان این مدرسه هستند که به وزارت اطلاعات راه یافتند.

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای، حجت‌الاسلام رازینی، حجت‌الاسلام رامندی، حجت‌الاسلام صدیقی و حجت‌الاسلام مبشری از درس خوانده‌های مدرسه حقانی بودند که در قوه قضاییه به جایگاه‌های رفیعی دست یافتند.

آیت‌الله دکتر بهشتی برنامه ریز مدرسه حقانی و آیت‌الله قدوسی به عنوان مدیر آن، در رأس قوه قضاییه وقت و دادگاه انقلاب قرار داشتند.

آیت‌الله جنتی عضو شورای نگهبان و همچنین آیت‌الله مصباح یزدی نیز از مدرسین مدرسه حقانی بودند.

حجت‌الاسلام حجازی و غلامرضا کرباسچی (برادر شهردار سابق) از سایر چهره‌های شاخص در بین دانش‌آموختگان مدرسه حقانی هستند.

فقط مبارزه در عرصه فرهنگ

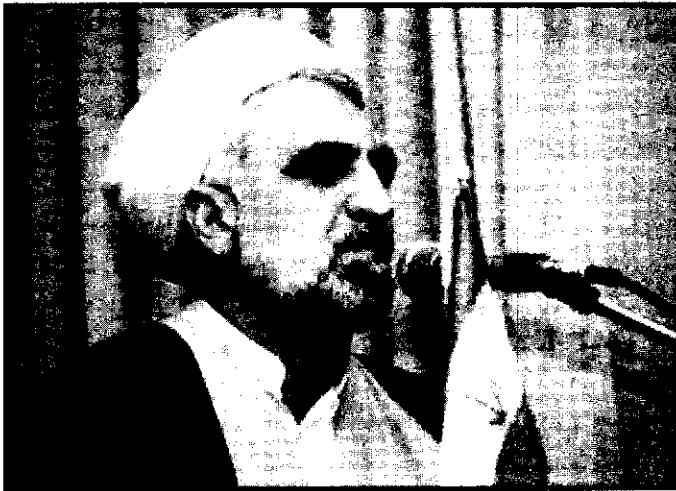
این واقعیت غیرقابل کتمان است که مدرسه حقانی موجب تحولی در شهر قم که روزگاری طلبه از یک طرف خیابان و دانش‌آموزان طرف دیگر خیابان می‌گذشت (۱)، شد و توانست موجب نوآوری‌هایی در شیوه آموزش علوم دینی شود.

مدرسه مزبور، همچنانکه قبلاً اشاره شد، در آن دوران فعالیت سیاسی نداشت. برای

درک بهتر موضوع لازم است به برخی رویدادها اشاره‌ای گذرا داشته باشیم: پس از ماجرای ۱۵ خرداد ۴۲ و در طول دوران دستگیری امام خمینی (ره) و متعاقب آن به مرجعیت رسیدن ایشان، گروهی از مراجع و علماء نسبت به این قضیه حساسیت نشان دادند، در برخی مدارس همچون «فیضیه»، «خان»، «حجتیه»، «مدارس آیت‌الله گلپایگانی» و... واکنش‌هایی از سوی روحانیون بروز کرد، اما بعد از تبعید امام از ایران فعالیت سیاسی در شهر قم بسیار کمرنگ شد. در آن دوران و مشخصاً از سال ۴۴ به بعد فعالیت سیاسی در قم در عده مشخص و معدودی از روحانیون خلاصه می‌شد.

طیف حقانی، متشکل از طلاب و مدرسین این مدرسه و همفکرانشان در دیگر مراکز، در آن سالها صرفاً به فعالیت علمی اشتغال داشتند و معتقد بودند مبارزه با رژیم پهلوی را در عرصه فرهنگی دنبال می‌کنند.

از مراکز «همفکر» یا «همسو» با حقانی می‌توان به مؤسسه «در راه حق» که آیت‌ا... مصباح یزدی با آن مؤسسه همکاری داشتند و مؤسسه «مکتب اسلام» به مدیریت آیت‌ا... مکارم شیرازی اشاره کرد. عمده‌ترین منبع تأمین مالی مؤسسات دارالتبلیغ آیت‌ا... شریعتمداری بود. در آن سالها این مؤسسات با انتشار نشریاتی در کنار دارالتبلیغ به فعالیت فرهنگی می‌پرداختند. در آن سالها افرادی همچون حجج اسلام آقایان



حجج اسلام محسن اژه‌ای و رازی از دانش‌آموزان برجسته مدرسه حقانی هستند که در قوه قضائیه پست‌های حساسی را عهده دار شده‌اند

احمدبهبشتی، علی حجتی کرمانی و سیدهادی خسروشاهی که در «مکتب اسلام» مقاله می‌نوشتند در طیف همسو با حقانی جا داشتند. به گفته برخی از علمای آگاه قم، عمده‌ترین تفاوت این طیف با روحانیونی که به مبارزه سیاسی می‌پرداختند در دوری جستن اینها از اقدامات انقلابی بود.

یک روایت دیگر

حجت‌الاسلام محمدی عراقی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در این باره نظر دیگری دارد. ایشان اخیراً در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان (۷۹/۱۱/۲۰) مدرسه حقانی را یکی از کانون‌های مبارزه علیه رژیم گذشته می‌داند و می‌گوید:

«... آن مقطع پانزده ساله تبعید حضرت امام یعنی از سال ۴۲ تا ۵۷ سخت‌ترین دوران مبارزه بود که در این دوران اگر چه قشر قابل توجهی از علاقه‌مندان به امام با جدیت و شجاعت مبارزه می‌کردند ولی اکثریت حوزه در متن مبارزه نبود. در همان دوران بود که یاران نزدیک و شاگردان برجسته امام به فکر افتادند که برای آینده نهضت و انقلاب کادر سازی کنند. کسانی مثل مرحوم شهید بهشتی و مرحوم شهید قدوسی و کسانی که در قید حیاتند مثل آیت‌ا... جنتی، آیت‌ا... محمدی گیلانی و آیت‌ا... مصباح یزدی، اینها کسانی بودند که یک حرکت اساسی را برای کادر سازی شروع کردند. یکی از این کارهای اساسی تأسیس همین مدرسه‌ای است که

به «مدرسه حقانی» معروف است البته اسم اولیه آن مدرسه منتظریه بود، اما چون مرحوم حقانی خیلی برای این مدرسه زحمت کشید و با جان و دل و اخلاص برای ساختن مدرسه تلاش می‌کرد، از این جهت مدرسه به نام ایشان معروف شد. این مدرسه یکی از کانون‌های مبارزه علیه رژیم بود و با اینکه در متن جریان‌های مبارزاتی و سیاسی بود ولی از نظر درسی و علمی هم بالاتر و جلوتر و خیلی مشکل بود. یادم هست مرحوم شهید بهشتی که طراح و برنامه‌ریز اصلی مدرسه بودند، یک دوره ۱۷ ساله طراحی کرده بودند که باید طلاب در این مدرسه می‌گذراندند تا فارغ‌التحصیل شوند. علاوه بر دوره عمومی، دوره‌های تخصصی مختلف داشت. در آن زمان خود شهید بهشتی «فلسفه هگل» و فلسفه غرب را تدریس می‌کردند و استادان بزرگ دیگری، هر کدام در رشته تخصصی خودشان تدریس می‌کردند. بنده توفیق داشتم از همان زمانی که هنوز ساختمان مدرسه نیمه‌کاره بود شاگرد این مدرسه باشم تا وقتی که دیگر فراری شدیم و به زندان افتادیم. در تمام مراحل مبارزه هر جا که احساس می‌شد اندیشه یا شخصیت حضرت امام مورد هجوم قرار گرفته، طلاب مدرسه حقانی می‌آمدند به میدان و از فکر و شخصیت امام دفاع می‌کردند...»

دو نگاه متفاوت به آثار دکتر شریعتی

این موضوع را هم باید یادآور شد که هرچند مؤسسين مدرسه حقانی دربارۀ اصلاح نظام آموزشی حوزه از دیدگاههایی همسوپرخوردار بودند، اما الزاماً یکسان نمی‌اندیشیدند و در برخی مسایل دارای سلیقه‌ها و دیدگاههای متفاوتی بودند.

از میان چهار فرد شاخص این مدرسه، آقایان بهشتی و مصباح یزدی بیشتر به مباحث عقیدتی می‌پرداختند، از اینرو اختلاف سلیقه نیز میان این دو نمایان گشت.

یکی از موارد اختلاف این دو در نوع نگاه به آثار دکتر شریعتی بود. بدنبال مباحثی که دکتر شریعتی در مورد «وحی، خاتمیت، معاد» و «امامت» داشتند آقای مصباح یزدی در یکی از جلسات درس مدرسه حقانی این مباحث را «برخلاف اصول مسلم اسلام» و «برخلاف اصول مسلم تشیع» عنوان می‌کنند (۲) که با واکنش دکتر بهشتی مواجه می‌شود.

شهید بهشتی طی یک سخنرانی تحت عنوان «شریعتی و مسأله خاتمیت» در پاسخ به مصباح می‌گوید: من مکرر به جناب آقای مصباح گفته‌ام که برادر عزیز، چرا این بحث‌هایی که احتیاج به رسیدگی بیشتر دارد باید این طور مطرح شود؟ شما اگر محبت و عنایت کنید، بگوئید مبادا کسی از این نوشته این معنی غلط را بفهمد، خیلی راحت از شما قبول می‌کنند؛ جنجالی هم به وجود نمی‌آید؛ هدایت هم کرده‌اید؛ کارتان را هم انجام داده‌اید. آیا اینگونه مسأله‌راییان کردن، کمتر تعصبات را تحریک نمی‌کند؟

شهید بهشتی در ادامه با تأکید بر اینکه آقای مصباح مخاطب بحث وی نیست بلکه مخاطب بحث وی طلاب مدرسه است، می‌گوید: بحث، بحث روش تربیتی مدرسه است... شما طلاب مدرسه نمی‌توانید با این اسلوب بار بیایید، وگرنه لااقل بنده نمی‌توانم در چنین مدرسه‌ای ذره‌ای در کارها سهیم باشم. مدرسه‌ای که بخواهد یک مشت انسان لجاج، پرخاشگر بی‌جا، متعصب تربیت کند که نتوانند با هم دو کلمه حرف بزنند چه ارزشی دارد؟ در این صورت چه خدمتی به اسلام و به حق کرده‌اند؟ به چه انگیزه‌ای؟ (۳)

پیش از انقلاب اختلافات آنچنان

مشکل‌آفرین نبود، اما بعد از انقلاب که حکومت در اختیار روحانیون قرار گرفت، اوضاع تغییر کرد و همچنان که ذکر شد، بسیاری از افرادی که به واسطه فعالیت در عرصه فرهنگی در طیف حقانی جای می‌گرفتند به مجموعه‌های دیگری ملحق شدند.

اما در همان دوران با وارد شدن آیت‌... قدوسی و شهید بهشتی به قوه قضائیه برخی از طلاب مدرسه حقانی همچون محسنی‌اژه‌ای، صدیقی و رازینی نیز جذب این دستگاه شدند.

بدین ترتیب طیفی از طلاب مدرسه حقانی پیدا کرده و به گروه حقانی شهرت یافت. عده

مدرسه حقانی روحانیونی را پرورش داده که اکنون کلیدی‌ترین پست‌ها را در دستگاه قضائی و برخی سازمان‌های مهم در اختیار دارند

مشخصی از طلاب مدرسه حقانی (پیش از انقلاب) تشکیل دهنده این گروه بودند، از اینرو به هیچ وجه این گروه نمی‌تواند نماینده کل تربیت شدگان حقانی تلقی شود، بلکه می‌توان این گروه را طیف مصباح یزدی مدرسه حقانی نام داد. مؤید این ادعا مواضع و دیدگاههایی است که اعضای این طیف تاکنون ارایه داده‌اند که همسویی آن با دیدگاههای آیت‌الله مصباح یزدی مشهود است.

قدرت دستگاه قضایی و امنیتی در طول سالهای پس از انقلاب از طیف مصباح چهره‌های تأثیرگذار ساخت، بطوریکه اکنون نیز علی‌رغم فرازونشیب‌های چندسال گذشته تصمیم‌گیران اصلی این دو دستگاه، مردان این طیف هستند، یونسی وزیر اطلاعات دولت خاتمی هر چند در طیف مصباح جانمی‌گیرد اما دانش‌آموخته حقانی

است.

مطالعین می‌گویند که آیت‌الله مصباح یزدی در طول سالهای بعد از انقلاب، پس از ترمیم گروه حقانی در قم به تثبیت طیف خود در این شهر پرداخت و در این راه به موفقیت‌های بسیاری نیز نایل آمد و از مؤسسه در راه حق جدا شد و با کمک یکی از سرمایه‌داران خیرمؤسسه دیگری بنام امام باقر (ع) تشکیل داد که بعدها تکمیل و هم‌اکنون با کمک و بودجه عمومی به خصوص بنیاد مستضعفان و جانبازان اداره می‌گردند.

در حال حاضر «مؤسسه در راه حق»، «آکادمی علوم اسلامی»، «مرکز پژوهشهای حوزه و دانشگاه»، «دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم»، «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم»، «شورای عالی نظارت بر حوزه علمیه»، «مدرسه معصومیه» و برخی مؤسسات دیگر که از مراکز اصلی تأثیرگذار در قم بشمار می‌روند هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند. امروز حقانی دیگریک مدرسه نیست، یک جریان فکری اثرگذار و تعیین‌کننده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- در صفحه ۸۱، کتاب «دکتر شریعتی جستجوگری در مسیر شدن» به نقل از دکتر شهید بهشتی آمده است: در سال ۱۳۲۵ که من به قم آمدم با کمال تأسف به چشم خودم می‌دیدم در قم کوچک آن روز که محدوده مرکزی شهری‌اش از بازار تا فلکه ارم بود و در آن موقع فقط یک دبیرستان در آن وجود داشت (دبیرستان حکیم نظامی)، معلم و محصل مدرسه از یک پیاده‌رو خیابان می‌رود و معم از یک پیاده‌رو دیگر، و به راستی از هم برهیز می‌کردند.

۲- کتاب «دکتر شریعتی جستجوگری در مسیر شدن»، چاپ دوم، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های آیت‌... شهید دکتر بهشتی، تران ۱۳۷۸، ص ۳۵

۳- همان منبع، ص ۵۸ و ۵۹